



مزایای تکان دهنده خانه تکانی!



طه‌زیرداز
مهدی محمدی

ت پنجم: ممکن است در برخی مواقع همان طور که دراز کشیده اید از اینکه هدفی هستید ناطق باشید. اما موقعی که یکی که هدف برای شما تعیین شده باشد، می‌تواند تمیزی از قدر آن بی‌هدفی و مخصوصاً دراز کشیدن را بهتر بداند. ششم: اگر یک خانه کوچک هتاد متری باشد دیگر آرزوی داشتن یک خانه بزرگ و هتاد متری را نخواهید داشت زیرا با این دو تا چهار تایی کنید و می‌گویید دقتی به این کوچکی این قدر خانه فکانی اش کنید، خانه بزرگ معلوم نیست چقدر بکشد.

پادشاه این را هم ذکر کنیم همان طور که به هتیم آخرین چهارشنبه سال آخرین سینه عمرمان نشود باید مواظب باشیم مکانی ما نیز «مخصوصاً در هنگام آویزان تا پنجره ها بر روی تمیز کردن شیشه ها» بزرگ مانا نباشد.

و عرشه
یک زیر
خوانید:
ست گم
ست مغز
ستش
ها شده
ک سکه
کند که
اقتصاد
می شود
اعضای
ه تکانی
خانواده
جاهای
ندیده
فرست
بود را که
س کنید

ه ای که
م ایران
به تکنونی
ه تکنونی
بیر اصلا
صله پس
کنند و
ی آن ها
شما هم
دن اسم
ارادای و
آکادمی
است بخ
ی وقت اس
مکن اس
وقع شک
رار مغزه
است یک
ها پیدا ک
بود به ا
یارگرم م
خواهد ا
ده خانه
کانون خ
وزها از ج
آن ها را
نیزاین
خانه خو
بد و لمس

کمان ده
گوشه
« همه خ
باست خ
ی هم این
چون بلا
ر سخته
های حر
خورد. آ
که با ش
نان های
کنیم م
خانه تکا
راکه خ
مثلا
ی سال
و دچار
تبی ممک
و آن زیر
ی خواه
خانواده
انواده می
روحی آ
خش شد
س ها. این
گرد شگری
خانه تک
طبق بکری
ه اید بب

خبرهای
بر سال
این است
مالا نوبت
ته برای ب
نده نیس
ن این خ
ن خواه
نی هست
ی دچار
توصیه
اره مزایا
ول: وسا
پیدا می
را که در
ن در رف
دا کنید.
مانی هم
کمک بز
نوم: کانو
که مادر
را از لحا
راین گرد
ست.
سوم: خ
قبلا هیچ
ید می کن
می کند م
دیک ند

اسفند یکی
می رسد
کردن
کنیم،
تکان ده
از شن
برای ۵
دیگر ۵
جزو که
خانه ت
می شوی
را که د
مزیه ●
کرده ا
بادام
از دست
است،
پانصد
مطمئن
خانوا
مزیه ●
الته ا
خانوا
کند نی
بی تأ
مزیه ●
بکری
است ب
رافرا
قیلا ز

شعر و داستان و نقاشی داشت. همان گونه که در حوزة نقد سیمینایی، آثار خوب را از آثار ضعیف تمیز می داد. با تسلط بر رموز رنگ و ترکیب، آثار نقاشی را نیز بررسی می کرد و مجموعه ای نفیس از تابلوها و کتاب های نقاشی داشت. گاهی شعر می سرود و گاه با مطالعه تخصصی ادبیات داستانی، مهارت های خود را در برگرداندن آثار از غیرفارسی در حوزة ترجمه تقویت می کرد. افسوس! صدرتقی زاده، مترجم و منتقد، متأثر از خبر درگذشت ناگهانی هوشنگ طاهری گواه بر فقدان خاصیتی اخلاق مدار حرفه ای و امیدوار بودن، در نحو رفتارش، فضائل بسیاری نهفته بود. مؤدب و با شخصیت بود، هرگز بر خاش نمی زد و نه می شنید. آرام و متین بود و خارج از مباحثه ها و مشرک های روزشنکری به سر می برد. به ما

دهای علیه ابتذال در هنرها
 به ادبی سخن منتشر می‌کرد.
 او اولین گروه و گروه اول بود.
 طاهری در روز ترجمه کتاب
 دریافت تقدیرنامه بهترین
 - اما پیش از آن با پیشگامی
 نامه‌هایی متعدد، دین خود
 را از یادگار آثار نفیس در یک
 مهر هفتگ و «تاریخ فرهنگ های
 می» از اینکار برگمان «ماجرای
 جوانی سر» از میکال خنلو
 - «هنر وروسیما علیه ابتذال»
 - رفته - مایگزیت وراس «زندگی،
 او کورساوا، ویریڈایانا، از لوئیس
 و قاتل - M - از فریلم لنگ
 علاوه بر ترجمه و نقد فیلم لنگ
 ارتباط دین یکی با

فیلم در برنامه «نقد هفته تلویزیون» به نامی آشنا در محافل فرهنگی تبدیل شده بود. ورود به حوزه سینما با ترجمه فیلم نامه های آثار مدرن سینمای جهان آغاز شد.

به طوری که به عقیده کارشناسان هنری و سینمایی - ترجمه های هوشنگ طاهری و تأثیر او بر سینمای ایران، از جمله عوامل تحول در سینمای کشور

و موج نو سینمای ایران محسوب می شود. تقابل او با هنر مدرن، شیفتگی بی چون و چرا برابر تحولات نبود و هنرمندانی که در خلأی زیستند را به بوته نقد می کشید زیرا واقعیت و درک آن را، هنر حقیقی هنرمند می دانست و در این



داستان های نوین آلمانی

از روحيات و ويژگي هاي بارز زندگي
فردی و اجتماعي جامعه آلمان را در
قالب خيال و داستان مطالعه کرد.

درمذمت تغییر!

در ریشه جدیدی موفقیت کسب کنیم یا
مثلاً در فلان زمینه‌ای که هستیم نتوانیم به
شهرت برسیم به طوری که تا اسم آن حوزه
هم آید، به یادمان نمی‌افتد. در زمانه‌ای
زندگی می‌کنیم که همه لذت زندگی
کردن را در تغییر مداوم می‌دانند و نه در
تکرار و تامل در داشته‌ها و این را بویادی
کتاب باجی جدیدتری بخوانم، لباس‌های
جدیدتری بپوشم، سری به جدیدترین
کافه‌های شهر بزنم و همه‌چیز را دیگری
که به حال چشیدم‌ها را تجربه کنم. اگر
دوستم مشکلی دارم، وقتم را برای اصلاح
بین خودمان در هر دینم و سعی کنم دوست
جدیدی پیدا کنم. از همه‌این‌ها و راه‌ها که برای
شغلی استفاده می‌کنم را فراموش کردم و سر جای

آخر سال که می شود، بسیاری شروع می کنند به حساب و کتاب برای خوشان که امسال چه کارهایی را انجام دادند و چه کارهایی را نتوانستند انجام دهند. ۱۰۰ زو آخر اسفند که می شود، حس سرخوردگی ناشی از انجام ندادن قول و قرارهایی که با خودمان گذاشته بودیم شروع می شود. از طرفی با دیدن وعید به خودمان داده ایم که دریم که سال جدید جبران می کنیم و بعد یک فهرست بلندبالا از کارهایی که باید انجام دهیم را همراه برای خودمان تکرار می کنیم. اما همه فهرست چینی و برنامه می برای چه؟ قرار است شتابان به کجا برسیم؟ واقعیت این است که اکنون ده ها ساعت که تغییر کرد و مسافتی را بهترین شده در همه کارها و زمینه های بسیاری از ما رسم شده است. باید تلاش کنیم تا

ما که به خود دست برافشاده ایم بر سر خاکی چو فر و ماندۀ ایم
عمر همه رفت و به پس گستریم قافله از قافله واپس تریم
نور دل و روشنی سپنه کو راحت و آسایش یارینه کو
خنده غفلت به دهان در شکست آرزوی عمر به جان در شکست
از کف این خاک به افسونگری چاره آن ساز که چون جان بری
خاک ز مین جز به هنر پاک نیست وین هنر امروز درین خاک نیست
گر هنری سر ز میان برزند بی هنری دست بدان درزند
کار هنرمند به جان آورند تا هنرش راه به زبان آورند
نام کرم ساخته مشتی زبان اسم وفا بندگی رایگان
نقش وفا بر سر یخ می زنند بر مه و خورشید زینخ می زنند
چشم هنر بین نه کسی را درست جز خلل و عیب ندانند جست
پری از دانش خاموش باش ترک زبان گوی و همه گوی باش

چکامه

نظامی / مخزن الاسرار



عکس روز

غبارروبی خانه دل ها

در آیینی، مصجع منور ولی نعمتان امام رضا(ع) در آستانه ماه مبارک رمضان و سال نو، صبح دیروز ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ با حضور نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و تولیت آستان قدس با گلاب ناب شست و شو داده شد.

عکس: محسن بخشنده / شهرآرا

